



The Role of Mahdism in Motivating and Directing Anti- Oppression Movements within the Axis of Resistance

Atieh Movahedi Mohasel Toos¹
Dr. Tahereh Rahmani Dehnavi²

Abstract

Mahdism, as one of the essential pillars of religious teachings, plays a significant role in shaping and guiding anti-oppression movements within the resistance front. Rooted in the anticipation of the reappearance of Imam Mahdi (may Allah hasten his reappearance), these teachings hold a special position in the foundations and principles of resistance movements. This study adopts a descriptive-analytical approach, drawing from Islamic narrations (riwayat) on Mahdism to examine its role in Islamic resistance. Findings reveal that Mahdavi teachings—through emphasizing justice-seeking, opposition to oppression, positive and hopeful thinking, divine leadership, and unity against hegemonic powers—not only strengthen the spiritual foundation of resistance forces but also shape their clear objectives and strategic orientations. By offering a spiritual and strategic framework, Mahdavi thought acts as a key factor in enhancing resistance against oppression and provides a sustainable model for the Islamic Ummah.

Keywords: Mahdism, Anti-Oppression, Resistance Front, Justice-Seeking, Leadership

1. Level 2, Philosophy and Islamic Theology, Al-Zahra University Seminary(Corresponding Author)(atieh.mmt@gmail.com)
2. PhD in Philosophy and Islamic Theology, University of Qom(Rahmani512123@gmail.com)

نقش مهدویت در ایجاد انگیزه و جهت گیری جریان های ظلم ستیز در جبهه مقاومت

عطیه موحدی محصل طوس^۱
ظاهره رحمانی دهنوی^۲

چکیده

مهدویت به عنوان یکی از ارکان اساسی آموزه های دینی در شکل دهی و هدایت جریان های ظلم ستیز در جبهه مقاومت نقش مهمی ایفا می کند. این آموزه ها که بر مبنای انتظار ظهور امام مهدی عجل الله تعالی فرجه له استوار است، از جایگاه ویژه ای در اصول و مبانی جریان های ظلم ستیز برخوردار بوده و تحلیل نقش آن ها در مقاومت اسلامی، به درک عمیق تر از این پدیده کمک می کند. در این پژوهش تلاش شده است تا با رویکرد توصیفی - تحلیلی و استفاده از منابع روایی در موضوع مهدویت به بررسی این نقش پرداخته شود. یافته ها نشان می دهند که آموزه های مهدویت از طریق تأکید بر عدالت خواهی، ظلم ستیزی، تفکر مثبت و امیدوارانه، رهبری الهی و همچنین اتحاد و مقاومت در برابر هژمونی، نه تنها به تقویت بنیه معنوی نیروهای مقاومت پرداخته اند؛ بلکه موجب شکل گیری اهداف روشن و جهت گیری مشخص در فعالیت های آنان شده اند. آموزه های مهدویت با فراهم کردن چارچوبی معنوی و راهبردی، به عنوان عاملی کلیدی در تقویت مقاومت در برابر ظلم و ایجاد الگویی پایدار برای امت اسلامی عمل کرده اند.

واژگان کلیدی:

مهدویت، ظلم ستیزی، جبهه مقاومت، عدالت خواهی، رهبری.

مقدمه

مقاومت در برابر ظلم و استکبار همواره یکی از موضوعات محوری در تاریخ جوامع بشری بوده است. این پدیده در عرصه های گوناگون همچون فقه، کلام، سیاست و اجتماع به طور

۱. سطح دو فلسفه و کلام اسلامی جامعة الزهراء عجل الله تعالی فرجه له (نویسنده مسئول) (atieh.mmt@gmail.com).

۲. دکتری فلسفه و کلام اسلامی دانشگاه قم (Rahmani512123@gmail.com).

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۷/۱۱؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۹/۱۹

مداوم مورد توجه قرار گرفته و به‌ویژه در دنیای معاصر، جبهه‌های مقاومت در برابر قدرت‌های استکباری همچنان نقش حیاتی ایفا می‌کنند.

در این جبهه‌ها نه تنها مبارزات نظامی بلکه پشتیبانی فکری و معنوی از آموزه‌های دینی نیز نقشی بی‌بدیل دارد. آموزه‌های مهدویت به عنوان یکی از بنیادهای فکری، در شکل‌گیری و هدایت این جبهه‌ها تأثیرگذار بوده و در آن، ظهور امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الیه به عنوان منجی بشریت و برپاکننده عدالت جهانی مطرح شده است. این آموزه‌ها به عنوان منبع الهام‌بخش برای جبهه‌های مقاومت باهدف نهایی مقابله با ظلم و فساد، نه تنها از بعد دینی، بلکه در بعد سیاسی و اجتماعی نیز اثرگذار است. مسئله اصلی این مقاله این است که چگونه آموزه‌های مهدویت می‌توانند به عنوان عاملی معنوی، نه تنها به تقویت روحیه مقاومت، بلکه به هدایت این جبهه‌ها در راستای تحقق اهداف عدالت‌خواهانه و جهانی کمک کنند؟

باتوجه به شرایط پیچیده جهانی و تهدیدات روزافزون علیه جوامع اسلامی جبهه‌های مقاومت در بسیاری از نقاط جهان، به‌ویژه در خاورمیانه، با چالش‌های عظیمی در مقابله با رژیم‌های سلطه‌گر روبه‌رو هستند. آموزه‌های مهدویت می‌توانند به عنوان یک مبنای معنوی و فکری، نقشی اساسی در شکل‌دهی انگیزه‌های مقاومتی ایفا کنند. این آموزه‌ها که ریشه در وعده‌های الهی و آرمان‌های عدالت‌خواهانه دارند، می‌توانند ملت‌ها را در جهت‌گیری صحیح در برابر ظلم و فساد هدایت نمایند و به تقویت اراده و همبستگی آن‌ها کمک کنند و عدم توجه به آموزه‌های مهدویت و نقش آن در جبهه‌های مقاومت ممکن است منجر به بحران‌های فکری، فرهنگی و استراتژیک در میان نیروهای مقاومت گردد و در جبهه‌های مقاومت با تفرقه، بی‌هدفی و ضعف در برابر فشارهای خارجی مواجه شوند.

موضوع مهدویت و نقش آن در جبهه‌های مقاومت در طول تاریخ همواره مورد توجه اندیشمندان اسلامی قرار گرفته و تحقیقات متعددی در این زمینه انجام شده است. پژوهش‌های نگارشی مرتبط با این موضوع، علاوه بر تأکید بر ابعاد کلامی، به نقش آفرینی آموزه‌های مهدوی در بیداری اسلامی و جهاد در برابر ظلم پرداخته‌اند. از جمله آثار برجسته در این حوزه می‌توان به کتاب مهدویت و تمدن‌سازی اسلامی نوشته‌ی حجت‌الاسلام عبدالحسین خسروپناه اشاره کرد. این کتاب که توسط انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی در سال ۱۳۹۲ منتشر شده است، به تبیین ابعاد تمدنی مهدویت و تأثیر آن بر جریان‌های اجتماعی و سیاسی پرداخته است. نویسنده در این اثر به ارتباط میان باورهای

مهدوی و تحقق جامعه عدالت‌محور توجه ویژه داشته است. همچنین کتاب مهدویت و مقاومت نقش آموزه‌های آخرالزمانی در سیاست امروز نوشته‌ی سید محمدرضا حسینیان که در سال ۱۳۹۸ توسط انتشارات امیرکبیر منتشر شده، یکی دیگر از منابع مهم در این زمینه است. این کتاب به بررسی نقش اعتقادات مهدوی در شکل‌گیری انگیزه‌های مبارزه با سلطه‌گری و تقویت اتحاد در جبهه‌های مقاومت پرداخته و با استفاده از شواهد تاریخی و معاصر، ارتباط آموزه‌های مهدوی با جریان‌های ظلم‌ستیز را تحلیل کرده است.

پژوهش حاضر علاوه بر بررسی نقش آموزه‌های مهدوی در تقویت انگیزه و جهت‌گیری جبهه‌های مقاومت، در مقایسه با پژوهش‌های پیشین بر تحلیل عوامل کلیدی مانند ظلم‌ستیزی، عدالت‌خواهی، ایجاد تفکر مثبت و امیدوارانه و نقش رهبری باایمان و اتحاد متمرکز است. این مقاله با رویکرد توصیفی - تحلیلی و با استفاده از تفاسیر قرآنی و روایات اسلامی در کنار تحلیل‌های اجتماعی و سیاسی، این پژوهش را به یک مطالعه‌ی چندبعدی تبدیل کرده که نقش مهدویت در ایجاد همبستگی و تقویت جریان‌های ظلم‌ستیز را به صورت جامع بررسی می‌کند.

مهدویت

مهدویت از ریشه هدایت به معنای رشد و رستگاری است و همچنین اعتقاد به ظهور یک منجی الهی از نسل پیامبر اسلام صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، حضرت مهدی عَلَيْهِ السَّلَام اشاره دارد که جهان را پر از عدل و داد خواهد کرد. (طریحی، ۱۴۰۸ق: ج ۱، ۴۷۵؛ زبیدی، ۱۳۸۵، ج ۲۰، ۳۳۲) این واژه به طور خاص به فردی اشاره دارد که تحت هدایت الهی قرار گرفته و برای تحقق اهداف بزرگ و اصلاحی گام برمی‌دارد.

شیعه معتقد است که امام مهدی عَلَيْهِ السَّلَام، فرزند امام حسن عسکری عَلَيْهِ السَّلَام، زنده است و در حال غیبت به سر می‌برد. این باور در میان برخی از اهل سنت نیز دیده می‌شود (شافعی، ۱۳۸۹: ۴۸۰؛ مجلسی، ۱۴۰۳ق: ج ۵۱، ۱۱۴؛ قرشی، ۱۳۹۷: ۲۴۹-۲۳۹؛ امینی، ۱۳۸۰: ۱۲۰-۱۱۸؛ طالقانی، ۱۳۷۵: ۲۴). براساس باور شیعه، امام مهدی عَلَيْهِ السَّلَام دوازدهمین امام معصوم است (صدوق، ۱۳۹۵ق: ج ۱، ۳۳؛ طوسی، ۱۴۲۵ق: ۱۶۵) و در زمان مناسب ظهور خواهد کرد تا وعده‌های الهی را تحقق بخشد. این آموزه جزئی اساسی از هویت دینی شیعه و نمادی از امید به آینده‌ای پر از عدل است.

در میان اهل سنت، گرچه تأکید بیشتری بر مفاهیم کلامی و تاریخی در ارتباط با مهدویت وجود دارد، اما با وجود اختلافات در جزئیات، به ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الیه در آینده اعتقاد دارند و بسیاری از علمای اهل سنت، از جمله بخاری و مسلم، به نقل احادیثی پرداخته‌اند که ظهور امام مهدی را پیش‌بینی می‌کنند. حتی وهابی‌ها با وجود اختلافات، این اعتقاد را به عنوان یک اصل قطعی اسلامی پذیرفته‌اند. این تفاوت‌ها نه تنها در متون دینی بلکه در تفسیرهای فلسفی و کلامی مربوط به مفهوم مهدویت نیز مشهود است. در شیعه، مهدویت بخشی از دایره تعالیم امامیه و اعتقاد به امامت است، در حالی که در اهل سنت، بیشتر به عنوان یک مصلح جهانی در آینده دیده می‌شود که نقش او به طور مستقیم با عدالت جهانی ارتباط دارد (صمدی، ۱۳۸۴: ۵).

در نهایت، تحلیل جامع و کامل مهدویت تنها از منظر شیعی ممکن است. از آن جا که این آموزه در تفکر شیعی نه تنها از جنبه‌های فلسفی و کلامی، بلکه از ابعاد اجتماعی، سیاسی و فرهنگی به طور کامل تحلیل و تبیین شده است، تفکر شیعی در این زمینه به عنوان یک دکترین جامع و متقن شناخته می‌شود. شیعه مهدویت را نه فقط به عنوان یک انتظار مذهبی، بلکه به عنوان یک الگو و مسیر عملی برای زندگی فردی و اجتماعی در نظر می‌گیرد که در آن هر جنبه‌ای از زندگی انسان‌ها تحت تأثیر آرمان‌های عدالت، حقیقت و مبارزه با ظلم قرار دارد.

مقاومت

مقاومت برگرفته از فعل ثلاثی مجرد قام بر وزن مفاعله است و معانی لغوی ایستادگی، پایداری و به پا خواستن را در بر می‌گیرد. همچنین می‌تواند به معنای ضدیت کردن یا مقابله کردن نیز باشد (آذرنوش، ۱۳۸۹: ۵۶۸). این واژه به نوعی نشان‌دهنده تعامل فعال و کنشگری در برابر یک مسئله یا شخص است. در گفتمان اسلامی مقاومت، علاوه بر جنبه‌های مبارزاتی، به ایستادگی در برابر ظلم و حفظ ارزش‌های اسلامی و انسانی تعریف می‌شود. این اصطلاح در تفکر اسلامی، با جهاد و تلاش برای برپایی عدالت و حفظ دین پیوند دارد.

مقاومت از منظر مقام معظم رهبری یک تفکر و تصمیم قلبی و یک مکتب است که نه تنها به عنوان یک ابزار سیاسی یا نظامی برای مقابله با دشمنان، بلکه به عنوان یک ارزش فرهنگی، دینی و اجتماعی معرفی شده است. در نگاه ایشان، مقاومت تنها واکنش به تهدیدات نیست، بلکه یک سبک زندگی است که باید در تمام ابعاد زندگی فردی و اجتماعی به کار گرفته شود

(خامنه‌ای، ۱۴۰۳) این دیدگاه بر مقابله فرهنگی و فکری با استعمار و سلطه‌گری تأکید دارد. مقاومت نه تنها یک واکنش منفعل، بلکه به عنوان اقدامی آگاهانه و هدفمند در برابر ظلم و فساد است. این مفاهیم در طول تاریخ در بسیاری از جنبش‌ها و قیام‌های اجتماعی و دینی، به ویژه در جهان اسلام، به عنوان موتور محرکه تغییرات بنیادین در نظر گرفته شده‌اند. مقام معظم رهبری نیز، مفهوم مقاومت را توسعه داده و به آن ابعاد تازه‌ای بخشیده‌اند. ایشان مقاومت را به عنوان راهبردی جامع برای مقابله با تهاجم فرهنگی، تحریم‌های اقتصادی، و جنگ نرم معرفی کرده‌اند. تأکید ایشان بر اقتصاد مقاومتی، جهاد تبیین، و حفظ روحیه انقلابی در نسل‌های جدید، نشان‌دهنده تکامل این مفهوم و تطبیق آن با چالش‌های معاصر است. این گفتمان، با محوریت مقاومت به ملت ایران، قدرت ایستادگی در برابر سختی‌ها و انگیزه‌ای برای پیشبرد اهداف بلندمدت انقلاب اسلامی بخشیده و در سطح جهانی، الگویی برای مبارزات عدالت‌خواهانه و ضداستکباری ارائه کرده است. این مفهوم با تأکید بر مبارزه با ظلم و فساد، در ابتدا در سطوح ملی و منطقه‌ای تجلی می‌یابد، اما نهایتاً هدف آن فراتر از مرزها رفته و به تلاش برای شکل‌دهی به یک نظم جهانی جدید معطوف می‌شود. مقاومت در این قالب، دیگر صرفاً یک واکنش دفاعی نیست، بلکه حرکتی پیش‌رونده و استراتژیک است که با هدایت ارزش‌های دینی و الهی، در مسیر آزادی، عدالت، و ارتقای هویت‌های انسانی و فرهنگی قدم برمی‌دارد.

نقش مهدویت در ایجاد انگیزه و جهت‌گیری جریان‌های ظلم‌ستیز در جبهه مقاومت

رابطه میان مقاومت و مهدویت، مفهومی پیچیده و چندلایه است که در عمق باورهای شیعی ریشه دارد. این ارتباط نویدبخش آینده‌ای روشن و عادلانه است و در بطن خود، انگیزه‌ای قوی برای مبارزه با ظلم و کنشگری را به وجود می‌آورد. مفهوم مهدویت در حقیقت نقطه عطفی است که درک پویایی مقاومت در برابر جریان‌های سرکوبگر را ممکن می‌سازد. این باور، فراتر از یک ایده انتزاعی و صرفاً فلسفی، به عنوان یک چارچوب عملی و زنده عمل می‌کند و محرکی برای تغییرات اجتماعی و حرکت‌های اعتراضی است. امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف به عنوان نماد امید برای رهایی از ظلم، در جوامع مختلف به ویژه در جنبش‌های مقاومت، بستر مهمی برای تحلیل و مقابله با ستم ایجاد کرده است. مهدویت و مقاومت، به عنوان اصولی بنیادین در تفکر شیعی، می‌توانند زمینه‌ساز تحقق

جامعه‌ای عادلانه باشند، همان‌طور که قرآن کریم وعده داده است «روزی خواهد آمد که عدالت در سراسر زمین برقرار خواهد شد» (فتح: ۲۹؛ نور: ۵۵). این اندیشه، علاوه بر شکل‌دهی به یک نگرش ایدئالیستی و آرمانی، به پیروان خود یک رویکرد عملی و مقاومتی می‌دهد که آنان را به اصلاح جامعه و تلاش بی‌وقفه برای تحقق عدالت فرامی‌خواند. این دیدگاه، نه تنها چشم‌انداز یک آینده روشن و عادلانه را ترسیم می‌کند، بلکه به مؤمنان انگیزه می‌دهد تا در برابر ظلم و فساد بایستند و با تمام توان برای تحقق این آرمان‌ها در جهان کنونی تلاش کنند. مهدویت با پیوند مفاهیمی مانند انتظار، قیام و اصلاح، تأثیری عمیق بر تربیت اخلاقی و ایستادگی در برابر ظلم دارد (نجم، ۱۳۹۶: ۳۸). این اعتقاد که هم در سطح فردی و هم در ابعاد اجتماعی و سیاسی معنا پیدا می‌کند، در فرهنگ مقاومت نقش‌های کنشی و رفتاری متعددی ایفا می‌کند. انقلاب اسلامی ایران، نه تنها به عنوان یک حرکت سیاسی و اجتماعی، بلکه به عنوان تجلی آرمان‌های مهدوی، خود را به عنوان یک نقطه عطف در تاریخ مبارزات علیه ظلم معرفی کرد.

انتظار فرج به معنای آماده‌سازی برای اقدام در برابر ظلم و تلاش مداوم برای گسترش عدالت است. این انتظار تنها یک آرزوی منفعلانه برای پایان یافتن ظلم نیست، بلکه به عنوان یک حرکت فعال و اقدام عملی در راستای تحقق اهداف الهی و برقراری عدالت در جامعه شناخته می‌شود. در واقع، این انتظار نه تنها به عنوان یک وضعیت ایستا و منفعل در نظر گرفته نمی‌شود، بلکه یک حرکت پرنرژی و مقاومتی است که پیروان را به مبارزه با ظلم تشویق می‌کند و آنها را برای تغییر وضع موجود آماده می‌سازد.

عدالت خواهی

عدالت از ریشه «عدل» و به معنای توازن، مساوات و تقسیم برابر است (راغب اصفهانی، ۱۴۱۱ق: ۳۳۶). در معنای اصطلاحی به معنای قراردادن هر چیز در جایگاه خود است (نهج البلاغه، کلمات قصار، کلمه ۳۷). عدالت در کلام امام علی علیه السلام در نهج البلاغه جایگاه ویژه‌ای دارد. ایشان در عهدنامه مالک اشتر، عدالت را نه تنها ابزاری برای اداره جامعه، بلکه عاملی برای جلب محبت و آرامش دل‌های مردم معرفی می‌کند: «دل‌های مردم را با عدالت آباد کن» (نهج البلاغه، نامه ۵۳) این بیان نشان می‌دهد که عدالت، محور اصلی حکمرانی و راهبردی برای مدیریت جامعه است، به گونه‌ای که شکوفایی معنوی و مادی جامعه را تضمین می‌کند.

آموزه‌های مهدوی در کنار عدالت، همواره نقشی حیاتی در جهت‌دهی اجتماعی و سیاسی جهان اسلام داشته‌اند. این آموزه‌ها، چه در انقلاب‌های تاریخی و چه در جنبش‌های مقاومت، به‌عنوان محرکی قوی برای مبارزه با ظلم و فساد، الهام‌بخش جوامع اسلامی بوده‌اند. عدالت در اسلام مفهومی فراگیر و بنیادین است که در زندگی فردی و اجتماعی نقش اساسی ایفا می‌کند. در قرآن نیز به اجرای عدالت در تمام ابعاد تأکید شده است: «إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَالْإِحْسَانِ وَإِيتَاءِ ذِي الْقُرْبَىٰ» (نحل: ۹۰). هم‌چنین در آیه‌ی «لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ» (نساء: ۲۵۸) که به‌طور ضمنی مردم را مسئول قیام برای عدالت معرفی می‌کند، تأکید بر این نکته است که مردم باید خود به‌دست خویش عدالت را در جامعه برقرار سازند. این مفهوم، رشد اجتماعی و فردی انسان‌ها را موردتوجه قرار می‌دهد، به‌طوری‌که آن‌ها به‌طور فعال و با عزم راسخ برای تحقق عدالت در درون خود و در سطح جامعه گام بردارند و عدالت را نه‌تنها در مقررات اجتماعی بلکه در قلب‌ها و رفتارهای خود تحکیم نمایند.

در روایات پیامبر اسلام ﷺ، عدالت خواهی به‌عنوان یک اصل بنیادین در فلسفه ظهور امام مهدی مطرح شده است: «المهدی من ولدی... یملأ الأرض قسطاً و عدلاً كما ملئت ظلماً و جوراً» (ابن بابویه، ۱۳۷۶: ۲۸۷) این آموزه‌ها به‌طور ضمنی نشان می‌دهند که عدالت و مهدویت دو عنصر جدانشدنی هستند که در تحقق عدالت جهانی نقش محوری ایفا می‌کنند. قیام امام مهدی عجل الله تعالی فرجه به‌عنوان یک تحول عظیم در تاریخ بشر، نه‌تنها برای استقرار یک حکومت اسلامی بلکه برای برپایی عدالت در سراسر جهان است. شهید مطهری این عدالت را به‌عنوان هدف نهایی حکومت جهانی امام‌زمان معرفی کرده و معتقد است که این عدالت فراتر از رفع بی‌عدالتی‌های مادی است و جامعه را به‌تعالی معنوی و ارزش‌های والای انسانی سوق می‌دهد (مطهری، ۱۳۶۷: ۲۵-۳۵).

دکترین مهدویت، برای کسانی که به‌طورجدی در پی عدالت هستند، وعده پیروزی و موفقیت در این مسیر را می‌دهد. این وعده الهی همچنان در دل‌های عدالت‌خواهان شعله‌ور است و به‌عنوان راهنمایی برای دستیابی به یک آینده روشن و عدالت‌محور عمل می‌کند. برای این امر استناد به آیاتی از قرآن کریم خالی از لطف نخواهد بود. خداوند در آیه «فَإِنَّ حِزْبَ اللَّهِ هُمُ الْغَالِبُونَ» «همانا حزب خدا پیروزمند است» (مائده: ۵۶۶) و آیه «وَإِنَّ جُنْدَنَا لَهُمُ الْغَالِبُونَ» «همانا سپاه ما پیروزند» (صافات: ۱۷۳) نوید پیروز قطعی را به مسلمانان می‌دهد.

باور به مهدویت همواره الهام‌بخش جنبش‌های اجتماعی در عدالت و مقاومت در برابر

ظلم بوده است. این باور با ایجاد امید به تحقق عدالت نهایی و تقویت روحیه پایداری، زمینه‌ساز جنبش‌های متعددی در تاریخ اسلام شده است. شهید مطهری، به نمونه‌هایی از این جنبش‌ها اشاره کرده که تحت تأثیر آموزه‌های مهدوی شکل گرفته‌اند. این جنبش‌ها که اغلب در شرایط سرکوب و ناامیدی ظهور یافته‌اند، باتکیه بر وعده ظهور منجی، توانسته‌اند تغییرات عینی در جوامع خود ایجاد کنند. ایشان تأکید می‌کنند که ویژگی برجسته این حرکت‌ها عدالت‌خواهی و مقابله با ظلم بوده است. یکی از نمونه‌های بارز این قیام‌ها، حرکت مختار ثقفی پس از واقعه کربلا است. مختار با شعار انتقام خون شهدای کربلا و حمایت از اهل بیت، مبارزات خود را آغاز کرد. او مفاهیم مهدوی را به عنوان پشتوانه فکری این قیام مطرح ساخت و با یادآوری وعده ظهور منجی، پیروانش را به ایستادگی و مقاومت دعوت کرد (مطهری، ۱۳۶۷: ۳۰-۲۵). این قیام نشان‌دهنده نقش مهدویت در برپایی حرکت‌های عدالت‌خواهانه و احیای امید اجتماعی در دوران خفقان است.

اعتقاد به امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشريف چارچوبی فراهم می‌آورد که به تحقق جلوه‌ای از عدالت و اعتدال اصیل و فراگیر کمک می‌کند. این باور به مهدی موعود، همچون پوششی فراگیر است که تمام بشریت را در بر می‌گیرد و بر تلاش برای به هم پیچیدن دسیسه‌های ظالمانه، از جمله توطئه‌های صهیونیستی، تأکید می‌کند. در این مسیر، جبهه مقاومت بر آن است تا با بهره‌گیری از آموزه‌های مهدوی، جهانی عادلانه و آزاد از ستم را بسازد.

جبهه مقاومت نه تنها در پی درک کامل تعالیم اسلامی است، بلکه در تلاش برای تجسم عدالت نهایی و جامع است که وعده الهی به آن داده شده است. این وعده که همچنان از روشن‌ترین و اساسی‌ترین اصول مذهب اسلامی به شمار می‌رود، به عنوان هدفی بزرگ و آرمانی، در راه رسیدن به جهانی عادلانه و فارغ از ظلم، الهام‌بخش حرکت‌های مقاومت در سراسر جهان است. همچنان که در فرازی از دعای ندبه آمده است «این المعذ لقطع دابر الظلمه، این المنتظر لاقامة الامت و العوج، این المرتجی لأزالة الجور و العدوان» (مفاتیح‌الجنان، ۱۳۹۱: ۹۴۸) به این معنا که قلب بشریت برای منجی عدالت و نجات‌بخش می‌تپد تا ظلم و بی‌عدالتی را نابود کند؛ در طول تاریخ بشر، از دیرباز تا به امروز، ظلم و ستم همواره به صورت گسترده‌ای وجود داشته و هنوز هم در دنیای معاصر با شدت ادامه دارد.

یکی از آرزوهای اصلی سران جبهه مقاومت، فروپاشی ساختارهای ستمگرانه‌ای است که بر جوامع حاکم شده‌اند، تا جایگاه واقعی ستمگران باز پس گرفته شده و عدالت بر پایه‌ای استوار

و محکم بنیان‌گذاری شود. این آرمان، هدف نهایی جبهه مقاومت است؛ یعنی نابودی ریشه‌های استکبار در جوامع غصب شده و ایجاد بستری برای ظهور عدالت واقعی که در آن ظلم و فساد جایی نداشته باشد. این مقاومت به طور ملموس و آشکار گواهی قانع‌کننده‌ای از اصالت سیستم اعتقادی جبهه مقاومت است و تأثیرات آموزه‌های مهدوی به وضوح در افکار و رفتار آنان نمایان است. شیوه زندگی افراد این جبهه، بیانگر اعتقاد راسخ آنان به دکتترین مهدوی است که در برابر احساس ناامیدی ایستاده و هیچ‌گاه ظلم و بی‌عدالتی را به عنوان یک وضعیت پذیرفتنی نمی‌شناسد.

ظلم‌ستیزی

این واژه از ریشه «ظَلَمَ» مشتق شده و معنای اصلی آن، نقص، تجاوز از حد و بی‌عدالتی است و در اصطلاح به معنای قراردادن چیزی در غیر جایگاه ویژه آن است، خواه با کاستن از آن یا افزودن بر آن، یا تغییر زمان و مکان مناسب آن (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق: ۵۱۶).

ظلم‌ستیزی در اسلام محدود به مبارزه با ظلم‌های فردی محدود نمی‌شود، بلکه اسلام بر مقابله با ظلم‌های دولتی، اجتماعی و ساختاری نیز تأکید دارد. ظلم‌های ساختاری به نابرابری‌هایی اطلاق می‌شود که در نهادهای اجتماعی و اقتصادی ریشه دارند. اسلام با تأکید بر آموزه‌های مهدویت، حمایت از مظلومان و مقابله با هرگونه ظلم را واجب می‌داند. در قرآن کریم آمده است «وَاللَّهُ لَا يُحِبُّ الظَّالِمِينَ» (آل عمران: ۵۷) این آیه بیانگر محکومیت ظلم فردی و اجتماعی است. در جامعه‌ای که به اصول مهدویت به شدت پایبند است، هدف اصلی ریشه‌کن کردن تمام انواع ظلم و ستم و مبارزه بی‌امان علیه ستمکاران است. این تعهد به مبارزه با ظلم، نه تنها به عنوان یک آرمان دینی، بلکه به عنوان نیروی محرکه‌ای برای انقلاب‌های سیاسی و دینی در جوامع مختلف شناخته می‌شود. در این راستا، انقلاب اسلامی ایران به عنوان یک نقطه عطف در روایت تاریخی مقاومت علیه رژیم‌های استبدادی و استعماری مطرح می‌شود. این انقلاب که از آموزه‌های مهدوی الهام گرفته، نماد مبارزه با ظلم جهانی است و به عنوان یک مدل الهام‌بخش برای دیگر ملت‌ها در سراسر جهان، در پی تحقق عدالت و آزادی در برابر مستکبران و استعمارگران است.

آموزه‌های مهدویت یکی از اساسی‌ترین اعتقادات اسلامی است که ریشه در قرآن و سنت دارد. در آیات متعددی از قرآن کریم، وعده ظهور منجی‌ای داده شده که جهان را از ظلم و

فساد پاک می‌سازد یکی از این آیات، ﴿وَنُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضِعُوا فِي الْأَرْضِ وَنَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَنَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ﴾ (قصص: ۵) این آیه نشان‌دهنده سنت قطعی الهی در حمایت از مستضعفان و پایان دادن به ظلم است. از منظر اسلامی، مستضعفان کسانی هستند که تحت ظلم و بی‌عدالتی قرار گرفته‌اند، اما با ایمان و استقامت، منتظر وعده الهی‌اند. خداوند در این آیه اراده کرده که آنان را نه تنها از وضعیت استضعاف رهایی بخشد، بلکه ایشان را به مقام پیشوایی و رهبری برساند و زمین را به دست آنان بسپارد.

انسان منتظر امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشريف به خوبی آگاه است که یکی از موانع اساسی در مسیر رشد و تربیت افراد، وجود جامعه‌ای آکنده از ظلم و بی‌عدالتی است. او بر این باور است که محیطی سرشار از عدالت و معنویت، بهترین شرایط را برای حرکت به سوی کمال فراهم می‌کند. از این رو، همواره در آرزوی روزی است که قائم آل محمد با ظهور خود، وعده الهی را محقق سازد و زمین را از عدل و داد پر کند. چنین اعتقادی، اگر در زندگی فردی نهادینه شود، او را به سوی ظلم‌ستیزی و مقابله با ستمگران و زورگویان سوق می‌دهد و این مبارزه به یکی از اولویت‌های زندگی‌اش تبدیل خواهد شد (ملایی، ۱۳۹۵: ۸۸).

جبهه مقاومت، ظلم‌ستیزی را که ریشه در متون دینی و آموزه‌های مهدوی دارد، به عنوان اصولی اساسی پذیرفته و آن‌ها را در بطن بافت اجتماعی و تجربه جمعی انسان‌ها ادغام کرده است. با وجود چالش‌های فراوان و ظلم‌های طاقت‌فرسا و قدرتمند که به‌ویژه از سوی رژیم‌های استکباری و ظالم اعمال می‌شود، این جبهه در مبارزه بی‌امان علیه آنان برمی‌خیزد تا مفاهیم و آموزه‌های مهدویت را در جامعه بشری مستقر کند.

سران جبهه مقاومت، با آگاهی عمیق از اصول و ویژگی‌های حکومت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشريف و با باور قلبی به اصلاح‌طلبی و ظلم‌ستیزی آن حکومت، همواره تلاش می‌کنند تا نظام‌های حاکم در دوران خود را براساس معیارهای مهدویت حقیقی و الهی بسنجند. این رهبران، حکومتی را که به آرمان‌های مهدویت نزدیک‌تر باشد، تأیید کرده و از آن حمایت می‌کنند. در عین حال، هرگاه با حکومتی مواجه شوند که بر پایه ظلم و فساد بنا شده باشد و از اصول مهدویت فاصله گرفته باشد، چنین حکومتی را نزد مؤمنان منفور می‌دانند.

شیخ صبحی طفیلی، نخستین دبیرکل حزب‌الله، در بیانیه‌ای مهم و صریح، بر این نکته تأکید کرده است که حزب‌الله تنها یک گروه محلی نیست، بلکه بخشی از امت اسلامی است که رسالتی جهانی را دنبال می‌کند. او بر لزوم شکل‌گیری جبهه‌ای از مستضعفان در سراسر جهان

برای مبارزه با ظلم و ستم تأکید می‌کند و این رویکرد را براساس آموزه‌های مهدوی بنیان نهاده است. شیخ طفیلی معتقد است که حزب‌الله به عنوان بخشی از این جبهه جهانی، وظیفه دارد که نه تنها در مقابله با سلطه‌گران منطقه‌ای، بلکه در سطح جهانی با استکبار مبارزه کند (میرهادی، ۱۳۹۴). این دیدگاه بر اهمیت جهاد و مقاومت در برابر ظلم تأکید دارد و به طور خاص بر ارتباط این مبارزات با آموزه‌های مهدویت و عدالت جهانی که با ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف محقق خواهد شد، تکیه می‌کند. براساس این آموزه‌ها، حزب‌الله به عنوان یک نیروی مقاومت، نه تنها در پی برقراری عدالت در لبنان و منطقه است، بلکه در سطح جهانی می‌خواهد عدالت و حقیقت را که در آموزه‌های مهدوی نهفته است، گسترش دهد.

در همین راستا، حزب‌الله لبنان به عنوان یکی از مهم‌ترین جنبش‌های اسلامی معاصر، با تکیه بر اصول مهدوی، اهداف خود را در مسیر مبارزه با ظلم، تحقق عدالت و آماده‌سازی برای ظهور مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف تعریف کرده است. این رویکرد به ویژه در راستای تعالیم مهدویت که به تحقق جهانی عدالت و صلح تأکید دارد، قرار می‌گیرد و حزب‌الله را به عنوان یک نیروی مقاومت پیشرو در برابر ظلم و فساد معرفی می‌کند. این جنبش با بهره‌گیری از آموزه‌های مهدوی، به ویژه در زمینه‌های جهاد و ظلم‌ستیزی، به طور مستمر در پی ایجاد تغییرات اجتماعی و سیاسی براساس اصول اسلامی است. از سوی دیگر، این رویکرد نه تنها موجب تقویت وحدت درون جنبشی و استحکام آرمان‌ها در میان اعضای حزب‌الله شده است، بلکه الهام‌بخش جنبش‌های مشابه در سطح جهانی نیز بوده است. این جنبش‌ها که از آموزه‌های مهدوی بهره می‌برند، در پی تحقق آرمان‌های مشترک همچون مقاومت در برابر استکبار و ظلم و برقراری عدالت جهانی هستند و از تجربه حزب‌الله به عنوان الگویی برای حرکت‌های مشابه استفاده می‌کنند.

مقاومت اسلامی در دهه‌های اخیر با بهره‌گیری از این اصول، توانسته است به یک جنبش جهانی تبدیل شود. آموزه‌های مهدوی نه تنها مقاومت را در برابر ظلم مشروعیت می‌بخشند، بلکه آن را به عنوان حرکتی مقدس و جهانی معرفی می‌کنند که فراتر از مرزهای مذهبی و ملی عمل می‌کند. این آرمان‌ها توانسته‌اند الهام‌بخش گروه‌های مختلفی در سراسر جهان شوند که هدف مشترکی در مبارزه با سلطه‌گری و استکبار دارند.

تفکر مثبت و امیدوارانه

تفکر مثبت و امیدوارانه به معنای برخورد با زندگی و چالش‌های آن با نگرش سازنده و

خوش بینانه است. این نوع تفکر به افراد کمک می‌کند تا با دیدگاه مثبتی به مشکلات نگاه کنند و به جای تمرکز بر دشواری‌ها، آن‌ها را فرصتی برای رشد و یادگیری ببینند. در این رویکرد، تأکید بر این است که حتی در برابر سختی‌ها، فرد می‌تواند به جنبه‌های مثبت زندگی توجه کند و عملکرد بهتری داشته باشد (سلیگمن، ۱۹۹۱: م: ۴۵). این نگرش نه تنها به تقویت روحیه فردی می‌انجامد بلکه می‌تواند به ارتقای کیفیت روابط اجتماعی و تصمیم‌گیری‌های مهم نیز کمک کند.

اعتقاد به مهدویت، فراتر از یک آموزه دینی صرف، منبعی برای انگیزش و تحول است که در ساحت‌های فردی و اجتماعی، تأثیری ژرف و ماندگار برجای می‌گذارد. این عقیده، همچون فانوسی در دل تاریکی، انسان‌ها را به سوی آینده‌ای روشن و آکنده از عدالت راهنمایی می‌کند و آنان را از بند یأس و ناامیدی آزاد می‌سازد. یکی از مهم‌ترین آموزه‌های این اندیشه، باور به فروپاشی اجتناب‌ناپذیر ساختارهای ستمگر و استکباری است. این باور، انسان را به یقین می‌رساند که دگرگونی در نظم ظالمانه جهانی نه تنها یک آرزو، بلکه یک سرنوشت محتوم است. جامعه‌ای که بر این اصل بنیادین اتکا دارد، شجاعتی بی‌نظیر برای رویارویی با قدرت‌های استکباری و مقابله با ظلم در خود می‌پرورد. چنین جامعه‌ای با چنان امید و انگیزه‌ای در مسیر تحقق عدالت گام برمی‌دارد، گویی رسالتی تاریخی بر دوش دارد که نباید آن را زمین بگذارد. این ایمان، ملت‌ها را از رخوت و رکود به سوی حرکتی پرنرژژی و هوشمندانه سوق داده و آنان را به مبارزه‌ای هدفمند و با استراتژی رهنمون می‌شود. همان‌طور که نظر رهبر معظم انقلاب بر این است که: «امام زمان علیه السلام، امیدی است در قلب بشریت که تاریخ بشریت را به سمت صلاح و رستگاری سوق می‌دهد این امید، نه صرفاً یک باور ذهنی، بلکه نیرویی است که بازوان انسان‌ها را قدرتمند می‌سازد، دل‌ها را از نور ایمان سرشار می‌کند و جهت حرکت عدالت‌طلبانه را مشخص می‌نماید» (خامنه‌ای، ۱۳۷۱).

باور به مهدویت و تفکر مثبت و امیدوارانه نقش تعیین‌کننده‌ای در شکل‌دهی و تقویت جنبش‌های آزادی‌خواهانه و عدالت‌طلبانه ایفا کرده است. حرکت‌های معاصر مانند حزب‌الله لبنان و بسیاری از جنبش‌های اسلامی دیگر نمونه‌های برجسته‌ای از تأثیر این اعتقاد هستند که ملت‌ها را به مبارزه‌ای هدفمند و مؤثر علیه اشغالگری و استکبار فرامی‌خواند، از این منظر، مهدویت آرزوی آینده‌ای روشن است. در تاریخ اسلام، پیامبران و اولیا باهدف هدایت و ارشاد انسان‌ها، تلاش می‌کردند تا امید را در دل‌های مردم ایجاد کنند و انگیزه برای مبارزه با فساد و

ظلم را در آنان برانگیزند. پس از شهادت امام علی عَلَيْهِ السَّلَامُ و در زمانی که تبعیض‌ها و فسادهای اجتماعی گسترش یافته بود، امید به ظهور امام مهدی عَجَلُ اللَّهِ إِلَيْهِ نه تنها موجب تقویت ایمان و روحیه استقامت در میان شیعیان شد، بلکه به عنوان محرکی برای مبارزه با ظلم و فساد در جامعه عمل کرد (نجم، ۱۳۹۶: ۷۵). این امید به مهدی موعود، به ویژه در دوران‌های سخت، به شیعیان این امکان را داد که با عزم راسخ، در مسیر اصلاح جامعه گام بردارند و در برابر ظلم ایستادگی کنند.

جنبش‌های آزادی‌بخش مانند حزب‌الله لبنان، نقش امید به ظهور امام مهدی عَجَلُ اللَّهِ إِلَيْهِ و عدالت جهانی او را به وضوح در هویت خود دارد. این جنبش‌ها تنها به دنبال آزادی سرزمین خود از چنگ ظلم و فساد نیستند، بلکه در تلاش‌اند تا زمینه‌ساز تحقق حکومت جهانی حضرت مهدی عَجَلُ اللَّهِ إِلَيْهِ شوند. در حقیقت، ایمان به ظهور مهدی موعود و تحقق وعده‌های الهی، به عنوان نیروی محرک معنوی و اجتماعی، در تقویت روحیه ایمان و مقاومت اعضای حزب‌الله، نقشی اساسی ایفا کرده است. یکی از نشانه‌های بارز این اعتقاد، حک کردن آیه شریفه «فَإِنَّ حِزْبَ اللَّهِ هُمُ الْغَالِبُونَ» بر پرچم حزب‌الله است که به وضوح نشان‌دهنده ایمان این جنبش به پیروزی نهایی اسلام و تحقق آینده‌ای موعود است. این عبارت، نمادی از قدرت و اراده راسخ در مسیر حق است و بیانگر این است که حزب‌الله براساس آموزه‌های مهدوی به حرکت خود ادامه می‌دهد. همچنین، حزب‌الله با اتکا به آیه شریفه «وَتُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضِعُوا فِي الْأَرْضِ وَنَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَنَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ» گفتمان خود را بر پایه امید به نجات مستضعفان و تحقق عدالت جهانی شکل داده است (همان: ۱۰۲).

متصور شوید که گروهی در دل یک طوفان دریایی گرفتار شده‌اند، اگر این افراد بدانند که هیچ ساحلی در نزدیکی نیست، به سرعت امیدشان را از دست خواهند داد و هرگونه تلاشی برای نجات را بی‌فایده خواهند شمرد در چنین شرایطی، ممکن است تسلیم سرنوشت شوند یا حتی بر سر منابع محدود با یکدیگر نزاع کنند؛ اما اگر باور داشته باشند که ساحلی در نزدیکی است، حتی اگر فاصله آن نامعلوم باشد، امید به نجات آنان را به حرکت واداشته و تلاش‌هایشان را جهت رسیدن به آن ساحل تقویت خواهند کرد. در این حالت، اتحاد و همبستگی‌شان تجدید می‌شود و امید به نجات باعث می‌شود که دست از تلاش برندارند. اعتقاد به امام‌زمان عَجَلُ اللَّهِ إِلَيْهِ دقیقاً چنین نقشی در حیات فردی و اجتماعی انسان‌ها ایفا می‌کند. این باور به عنوان نقطه نظر نهایی به تحقق حکومت عدل الهی، انسان‌ها را به سوی آینده‌ای روشن و سرشار از

عدالت هدایت می‌کند. آنها را به مقاومت و مبارزه در برابر بی‌عدالتی و ظلم تشویق می‌کند، به ویژه زمانی که شرایط سخت و ناعادلانه حاکم است. در حقیقت، این امید، سلاحی است در برابر یأس و ناامیدی که دشمنان، به ویژه استعمارگران و مستکبران، سعی در ترویج آن دارند تا جوامع را از حرکت و تلاش برای تغییر بازدارند.

مقام معظم رهبری می‌فرماید: «نام امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف و یاد این بزرگوار دائماً به ما یادآوری می‌کند که طلوع خورشید حق و عدل در پایان این شب ظلمانی، قطعی است.» (خامنه‌ای، ۱۳۹۶). در میان امواج سنگین ظلم و فساد که زندگی انسان‌ها را احاطه می‌کند، گاهی فشارهای طاقت‌فرسا موجب یأس و دلسردی می‌شود. اما اندیشه ظهور منجی و یاد امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف، همچون چراغی روشن در دل شب، همواره به انسان‌ها امید و انگیزه برای ایستادگی و مقاومت در برابر ظلم می‌دهد. این امید به آینده‌ای روشن و پراز عدالت، از مهم‌ترین منابع انگیزه و انگیزش در جبهه‌های مقاومت و جنبش‌های آزادی‌خواهانه است.

اتحاد و مقاومت در برابر هژمونی

اتحاد به معنای پیوستن، همبستگی و هم‌سوئی است و در اصطلاح انسجام میان افراد یا گروه‌ها برای دستیابی به اهداف مشترک است (راغب اصفهانی، ۱۴۱۱ق: ۲۷۰). این مفهوم در تقویت وحدت امت اسلامی اهمیت ویژه‌ای دارد. قرآن کریم بر این موضوع تأکید می‌کند: ﴿وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا﴾ (آل عمران: ۱۰۳) این آیه اهمیت اتحاد در استحکام جامعه اسلامی و پرهیز از تفرقه را نشان می‌دهد. تفرقه یکی از عوامل اصلی تضعیف جامعه اسلامی است و اتحاد، کلید موفقیت و ایستادگی در برابر چالش‌های داخلی و خارجی محسوب می‌شود. مقاومت نیز همان‌طور که در قبل هم توضیح داده شد به معنای پایداری و مقابله با ظلم و تجاوز یا هرگونه تهدید علیه حقوق و آزادی‌های انسانی است. مقاومت و اتحاد رابطه‌ای تنگاتنگ دارند، به گونه‌ای که اتحاد، نیروی لازم برای تداوم مقاومت را فراهم می‌کند و مقاومت نیز در برابر ظلم و فساد، انگیزه‌ای برای تقویت اتحاد میان افراد ایجاد می‌نماید.

تأثیر آموزه‌های مهدویت بر تحولات سیاسی و اجتماعی، به ویژه در زمینه مقاومت و اتحاد در برابر صهیونیسم، جلوه‌ای روشن و انکارناپذیر دارد. این آموزه‌ها، الهام‌بخش حرکت‌های مردمی بوده و به ملت‌های تحت ستم روحیه‌ای فراتر از مبارزات معمول می‌بخشد. مقاومت و اتحاد نه صرفاً یک واکنش دفاعی، بلکه کنشی هدفمند و استراتژیک است. مبارزات علیه رژیم

اشغالگر صهیونیستی، برخاسته از ضرورت‌های تاریخی، سیاسی و اجتماعی است، اما آموزه‌های مهدوی به آن معنایی فراتر می‌بخشند. این مقاومت، نه تنها جنایات و بی‌عدالتی‌های این رژیم را آشکار کرده، بلکه همبستگی بی‌سابقه‌ای میان ملت‌ها ایجاد کرده است. این اتحاد که حول محور مقاومت در برابر ظلم شکل می‌گیرد، به طور نظام‌مند، زیرساخت‌های رژیم صهیونیستی را هدف قرار داده و شرایطی را فراهم می‌کند که فروپاشی آن، از یک رؤیا به واقعیتی نزدیک تبدیل شود. در حقیقت، آموزه‌های مهدویت نه فقط در تقویت انگیزه‌های مبارزاتی، بلکه در تعریف و هدایت مسیر مقاومت و همبستگی میان ملت‌ها با وجود تفاوت‌های ادیانی نقش اساسی ایفا می‌کنند. این آموزه‌ها، پیروان خود را به پایداری خستگی‌ناپذیر و تلاش مستمر فرامی‌خوانند، چرا که سرنوشت نهایی مقاومت، نابودی ظلم و برپایی عدالت است. در این مسیر، هر گام، نشانه‌ای از عزم مشترک ملت‌ها و طلیعه‌ای از تحقق وعده‌های الهی است.

انتفاضه فلسطین، یکی از مهم‌ترین نمادهای مقاومت مردمی، نمونه‌ای بارز از این ارتباط است. شهید دکتر فتحی شقاقی درباره اهمیت مقاومت می‌گوید:

انتفاضه یک معجزه الهی است که به واسطه‌ی یک ملت زنده به وقوع پیوسته است (خبر آنلاین، ۱۴۰۳: کد خبر ۱۹۷۲۹۸۷).

این حرکت مردمی، با وجود گذشت دهه‌ها از اشغال فلسطین، همچنان ابزاری قدرتمند در مقابل رژیم صهیونیستی محسوب می‌شود. انتفاضه علاوه بر آشکارکردن ماهیت واقعی رژیم صهیونیستی، همبستگی داخلی و منطقه‌ای را تقویت کرده و دستاوردهای ملت فلسطین را به جهان نشان داده است.

امام خمینی رحمته‌الله‌علیه از پیشگامان احیای مفاهیم مقاومت و اتحاد در عصر معاصر است. ایشان معتقد بودند بسیاری از مشکلات جوامع اسلامی از فراموشی روحیه مقاومت و قیام در راه خدا ناشی می‌شود و در نخستین بیانیه سیاسی خود که در جمادی‌الاول ۱۳۶۳ هجری قمری صادر شد می‌فرمایند:

خودخواهی و ترک قیام برای خدا ما را به این روزگار سیاه رسانده و همه جهانیان را بر ما چیره کرده (موسوی خمینی، ۱۳۶۰: ج ۱، ۲۱-۲۲).

این دیدگاه نشان می‌دهد که اتحاد و مقاومت، بنیانی استراتژیک برای بیداری و ایستادگی امت اسلامی در برابر استکبار جهانی است و در تعالیم پیامبر اسلام صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم نیز به وضوح دیده

می‌شود، جایی که پیامبر ﷺ فرموده‌اند:

تمام خیر و نیکی در قیام و مبارزه است و مردم به راست نخواهند آمد مگر از طریق قیام و مبارزه که کلیدهای بهشت و جهنم هستند (نهج البلاغه، خطبه ۲۳).

دفاع از مسلمانان و حمایت از آنان در سراسر جهان جزو اهداف اصلی این جنبش است. این اندیشه، در واقع نمایانگر نوعی حرکت جمعی است که بر پایه‌ی مقاومت و اتحاد در برابر ظلم بنا شده و گفتمان جهانی امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف را به عنوان راهنمایی برای اصلاحات جهانی در نظر دارد. در این چارچوب، جبهه مقاومت به عنوان یک الگوی مستمر و تأثیرگذار در مقاومت و مبارزه با استبداد و نابرابری‌های جهانی شکل گرفته است و شالوده و بنای این جبهه همبستگی و اتحاد میان مردم و ملت‌ها، صرف نظر از اینکه چه دین یا قومیتی دارند و فقط با این هدف، یعنی تحقق جامعه‌ای عادلانه تحت هدایت امام‌زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف است که امروزه جوامع بشری به طور کامل شاهد اهمیت روزافزون این وحدت هستند چرا که جریان‌های ظلم‌ستیزی که در رأس آنان آمریکا قرار دارد در پی تفرقه‌افکنی میان ملت‌ها، از طریق ایجاد دروغ‌افکنی‌هایی نظیر این که ایران از بیت‌المال برای جبهه مقاومت هزینه می‌کند و در مقابل نیز در سوریه می‌گویند سوریه از رفاه مردم در جهت کمک به ایران هزینه می‌کند و وقتی مردم فقر و عدم رفاه را ببینند این شایعات را باور کرده و به حکومت‌های خود اعتراض می‌کنند و در نهایت ملت‌ها با هم دشمن، و خواستار قطع رابطه می‌شوند و مستکبرین هم به خواسته‌های خود که نابودی کامل جبهه مقاومت است خواهند رسید.

محور مقاومت، با مرکزیت جمهوری اسلامی ایران، به عنوان جریانی جهانی که در مقابله با سلطه‌گری و حمایت از آرمان‌های فلسطین و ملت‌های تحت ستم شناخته می‌شود، نقشی کلیدی در تغییر معادلات جهانی ایفا می‌کند. این جریان با استفاده از تمامی ظرفیت‌ها و منابع، به دنبال مقابله با فرایندهای ناعادلانه جهانی و ایجاد تغییرات بنیادین در جهت عدالت و حمایت از حقوق بشر است. این مفهوم در سیاست‌های جمهوری اسلامی ایران و گروه‌های هم‌پیمان آن که در نقاط مختلف جهان علیه ظلم و سلطه‌گری ایستاده‌اند، گسترش یافته است. در این راستا، اتحاد ملت‌های مسلمان در کنار یکدیگر برای مقابله با تهدیدات و چالش‌ها، در قالب جبهه مقاومت، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است و الهام‌بخش بسیاری از حرکت‌های آزادی‌بخش در سطح جهانی بوده است.

اتحاد و مقاومت به عنوان دو ستون اصلی، نقشی بنیادین در شکل‌گیری و تقویت جبهه مقاومت ایفا می‌کنند. اتحاد، زمینه‌ساز همبستگی میان ملت‌های مسلمان و دیگر ملت‌های

عدالت طلب است و انرژی لازم برای استمرار مبارزه را تأمین می‌کند. در همین راستا، آموزه‌های مهدویت با تأکید بر مبارزه با ظلم و تحقق عدالت، نیرویی معنوی و فراتر از مبارزات معمول به ملت‌های تحت ستم القا می‌کنند. این آموزه‌ها نه تنها انگیزه‌ای قوی برای ایستادگی در برابر ستم ایجاد می‌کنند، بلکه مسیر و اهداف جبهه مقاومت را در مواجهه با بحران‌های جهانی به درستی هدایت می‌نمایند.

رهبری استوار و هدایتگر

رهبری به معنای هدایت و تأثیرگذاری بر افراد برای دستیابی به اهداف مشخص است. در اصطلاح رهبری فرایندی است که با برقراری ارتباط مؤثر و ایجاد انگیزه، انجام وظایف را تسهیل کرده و کارکنان را به انجام مسئولیت‌هایشان تشویق می‌کند. مدیر باید توانایی تأثیرگذاری بر تیم خود را داشته باشد و قدرت و نفوذ او نیز مورد پذیرش اعضا قرار گیرد (گرچی، ۱۳۸۶: ۱۹۱).

از منظر مهدویت، رهبری جبهه مقاومت نقشی محوری در هدایت نیروهای ظلم‌ستیز و تقویت اتحاد میان آن‌ها دارد. این رهبران با الهام از آموزه‌های مهدوی، علاوه بر مبارزه با ظلم، برای تحقق اهداف الهی و ایجاد وحدت میان ملت‌ها تلاش می‌کنند. رهبری در این مسیر، فراتر از سیاست، به عنوان مرجع فکری و معنوی نیز مطرح است. امام خمینی رحمته‌الله علیه نمونه بارزی از این الگو بود که تأکید داشت:

مقاومت مردم، باتکیه بر ایمان به خدا و ارشاد رهبران دینی، توانست رژیم‌های ظالم را شکست دهد (موسوی خمینی، ۱۳۶۰: ج ۲۱، ۱۴۰).

این رهبران با ترکیب ارزش‌های دینی و اصول سیاسی، توانستند جریان مقاومت را تقویت و گسترش دهند و با تقویت باورهای دینی و بی‌توجهی به تعلقات دنیوی، حرکت مقاومت را به سوی اهداف عدالت‌خواهی هدایت کنند. در یکی از تحلیل‌ها، نقش امام خمینی رحمته‌الله علیه به عنوان محور رهبری انقلابی، نمایانگر انتظاری تاریخی برای بازگشت امام دوازدهم عجل‌الله تعالی فرجه‌الشریف بوده است. این دیدگاه بر اهمیت نقش امام خمینی رحمته‌الله علیه در زنده نگه داشتن این امید و هدایت انقلاب اسلامی تأکید دارد (اسکاچیل، ۱۳۸۰: ۵۲).

رهبری در جبهه مقاومت، به ویژه در مقاطع حساس، نقشی تعیین‌کننده در القای امید، افزایش انگیزه، و ایجاد اعتماد به پیروزی ایفا می‌کند. رهبران این جبهه باتکیه بر اصول الهی و

آموزه‌های معنوی، راهبردهایی ارائه می‌دهند که نیروهای مقاومت را از یأس دور کرده و روحیه پایداری را تقویت می‌کنند. این سبک رهبری، هم به بعد روانی نیروها توجه دارد و هم به انسجام در برابر چالش‌های بیرونی (هاشمیان، ۱۳۹۵: ۲۳).

رهبری در جبهه مقاومت تنها به مسائل تاکتیکی نمی‌پردازد، بلکه با ترسیم یک چشم‌انداز روشن و هدایت استراتژیک، اهداف بلندمدت را برای نیروها مشخص می‌کند. این نوع رهبری که براساس آرمان‌های اسلامی استوار است، در شکل‌دهی هویت جبهه مقاومت نقش اساسی دارد. رهبران، با تمرکز بر اصول دینی و انسانی، نیروها را در مسیری هدایت می‌کنند که هم به تقویت همبستگی و انگیزه آنها می‌انجامد و هم مقاومت در برابر تهدیدات و فشارهای جهانی را تسهیل می‌کند. جنگ ۳۳ روزه میان رژیم صهیونیستی و حزب‌الله لبنان در سال ۲۰۰۶، نمونه‌ای برجسته از رهبری استراتژیک موفق در جبهه مقاومت است. سید حسن نصرالله با استفاده از استراتژی‌های مؤثر، نه تنها مقاومت را به پیروزی رساند، بلکه موقعیت حزب‌الله را به عنوان یک نیروی مقاوم و اثرگذار تثبیت کرد و الگویی برای دیگر گروه‌های مقاومت در سطح جهانی قرار گرفت.

انقلاب اسلامی ایران باهدف تقویت انسجام در محور مقاومت و گسترش توان جبهه‌های منطقه‌ای، به‌ویژه در غرب آسیا، نقشی بی‌همتا ایفا کرده است. این انقلاب نه تنها جان تازه‌ای به حرکت‌های ضداستکباری در کشورهای نظیر فلسطین، لبنان، سوریه، عراق و یمن بخشیده، بلکه به تثبیت و گسترش این گفتمان انقلابی نیز پرداخته است. در این میان، مقابله با رژیم صهیونیستی و متحدان آن، شامل کشورهای همسو با عربستان سعودی و حامیان غربی نظیر ایالات متحده، در قلب راهبردهای مقاومت قرار دارد (زنجانی، توکلی، ۱۳۹۱: ۲۲۴).

جمهوری اسلامی ایران، به‌عنوان محور اصلی مقاومت، همواره در خط مقدم مقابله با سلطه‌گری آمریکا و تجاوزات رژیم صهیونیستی قرار دارد و از ملت‌های مظلوم منطقه حمایت می‌کند. در طول سال‌ها، ظرفیت بازدارندگی ایران و توان کمک‌رسانی به کشورهای عضو محور مقاومت روزبه‌روز افزایش یافته است. تحولات عمده منطقه‌ای، به‌ویژه در خاورمیانه، تحت تأثیر انقلاب اسلامی و سیاست‌های جمهوری اسلامی قرار داشته است. مقام معظم رهبری به‌عنوان رهبر انقلاب اسلامی نقش محوری در هدایت این تحولات و تصمیم‌سازی‌های اساسی ایفا کرده‌اند. مقاومت اسلامی، از دیدگاه معظم له، نه تنها یک استراتژی سیاسی، بلکه یک

آرمان اعتقادی و قرآنی است که براساس آن، جبهه حق در مقابل باطل قرار می‌گیرد و تحقق وعده‌های الهی در دستور کار است. این نگاه باعث شده تا مقاومت در برابر دشمنان اسلام به یک هدف بلندمدت و بنیادی تبدیل شود. ایشان به‌عنوان رهبر اصلی مقاومت و مهره اصلی در جهت‌گیری‌های این جبهه شناخته شده است. سید حسن نصرالله دبیرکل حزب‌الله لبنان در خردادماه ۱۳۹۸ این مطلب را بیان کرد:

در ۳۰ سال گذشته و به‌خصوص در این چند سال اخیر که دشواری‌ها، سختی و فتنه‌ها بیشتر شده است، کسی که پرچم بزرگ اسلام، مقاومت، جهاد و وحدت اسلامی را برافراشته است و سرسختانه از وحدت میان مسلمین و از مردم و مظلومان و مستضعفان محافظت کرده و کسی که جبهه مقاومت را فرماندهی کرده و کسی که با شجاعت و صلابت در برابر نیروهای استکباری، قلدری‌ها، تهدیدها و همه وحشت‌آفرینی‌هایی که در جهان می‌بینیم، ایستاده است، امام خامنه‌ای است... (پورعباسی، ۱۴۰۲).

امروز این پیروزی‌ها و دستاوردها پس از فضل الهی و عنایت حضرت صاحب‌الزمان عجل‌الله تعالی فرجه الشریف به حکمت، شجاعت و ایستادگی ایشان بازمی‌گردد.

مشروعیت الهی، ترسیم چشم‌انداز روشن و ارائه استراتژی‌های بلندمدت، از ویژگی‌های بارز چنین رهبری است که مقاومت را از یک حرکت صرفاً نظامی به یک آرمان جهانی و الهی تبدیل کرده است. رهبران جبهه مقاومت، با ترکیب ارزش‌های دینی و اصول سیاسی، جریان مقاومت را به الگویی برای جهان اسلام تبدیل کنند. تأکید بر وحدت، تقویت انگیزه نیروها و پیوند عمیق آموزه‌های مهدوی با مبارزات ضد ظلم، جبهه مقاومت را قادر ساخته است تا در برابر تهدیدات منطقه‌ای و جهانی ایستادگی کرده و به‌عنوان یک نیروی تأثیرگذار و موفق ظاهر شود. این رهبری مقتدرانه، نه تنها به تحقق اهداف مقاومت کمک کرده، بلکه نشان داده است که باور به آموزه‌های مهدوی و انتظار ظهور منجی، می‌تواند بستری برای پایداری در برابر ظلم و تحقق وعده‌های الهی در جهان باشد.

نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر نشان داد که آموزه‌های مهدوی نه تنها به‌عنوان بخشی از باورهای بنیادین اسلامی، بلکه به‌عنوان ابزاری مؤثر در شکل‌دهی و تقویت جریان‌های ظلم‌ستیز در جبهه مقاومت معاصر عمل می‌کنند. بررسی‌های انجام شده در این مقاله بیانگر آن است که آموزه‌های مهدوی از طریق تأکید بر عدالت‌خواهی، ایجاد امید و انگیزه و وجود رهبری

مقتدرانه توانسته است در مقابله با سلطه‌گری و هژمونی جهانی، جریان‌های مؤثری ایجاد کند. یکی از مهم‌ترین دستاوردهای این پژوهش، روشن ساختن نقش کلیدی امید به آینده و تفکر مثبت در آموزه‌های مهدوی بود که موجب پایداری و استقامت در جبهه‌های ظلم‌ستیز می‌شود. همچنین، مشخص شد که رهبری ایمانی و انسجام اجتماعی در این جریان‌ها، بر مبنای آموزه‌های مهدوی، نه تنها از پراکندگی نیروها جلوگیری می‌کند، بلکه آن‌ها را در راستای تحقق اهداف مشترک عدالت‌محور هماهنگ می‌سازد. این پژوهش به طور خاص به ارتباط میان آرمان‌های مهدوی و واقعیت‌های سیاست معاصر پرداخت و پیشنهاد می‌دهد که با بهره‌گیری از این آموزه‌ها، می‌توان نقشه‌های راهبردی مؤثرتری برای مقاومت در برابر ظلم طراحی نمود. انتظار می‌رود یافته‌های این پژوهش بستری برای تحقیقات آینده در زمینه‌ی تحلیل سیاست‌های جهانی مبتنی بر آموزه‌های مهدوی فراهم کند و زمینه‌ساز تحولاتی عمیق در حوزه‌ی عدالت‌طلبی و ظلم‌ستیزی باشد.

منابع

- قرآن کریم
 نهج البلاغه
- ابن بابویه، محمد بن علی، (۱۳۷۶)، *کمال‌الدین و تمام النعمه*، قم: انتشارات اسلامی.
- اسکاچیل، تدا، (۱۳۸۰)، «نقش امام خمینی در شکل‌گیری انقلاب اسلامی و فرهنگ انتظار»، *فصل‌نامه انتظار*، ش ۲.
- امینی، عبدالحسین، (۱۳۸۰)، *الغدیر*، چاپ اول، جلد ۱، قم: انتشارات الغدیر.
- آذرنوش، سید محمد، (۱۳۸۹)، *تاریخ‌نگاری و بحران‌های فرهنگی ایران*، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- خامنه‌ای، سیدعلی، (۱۳۷۱، ۱۸ بهمن)، *بیانات در دیدار مهمانان خارجی دهه‌ی فجر در روز نیمه شعبان*.
- خامنه‌ای، سیدعلی، (۱۳۹۶، ۲۰ اردیبهشت)، *بیانات در دانشگاه افسری و تربیت پاسداری امام حسین (ع)*.
- خامنه‌ای، سیدعلی، (۱۴۰۳، ۲۱ آذر)، *بیانات در دیدار با افسارمختلف مردم*.
- خبر آنلاین، (۱۴۰۳)، *دیدگاه رهبران فلسطینی درباره دوگانه سازش و مقاومت*، کد خبر ۱۹۷۲۹۸۷، بازیابی شده از: <https://www.khabaronline.ir/>

- راغب اصفهانی، حسین بن محمد، (۱۴۱۱ق)، *معجم مفردات الفاظ القرآن*، چاپ دوم، بیروت: دارالکتب العربی.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد، (۱۴۱۲ق)، *المفردات فی غریب القرآن*، چاپ اول، جلد ۱، دمشق: دارالقلم.
- زبیدی، مرتضی بن محمد حسین، (۱۳۸۵ ق)، *تاج العروس من جواهر القاموس*، چاپ اول، جلد بیستم، قاهره: دارالهدایة.
- سلیگمن، مارتین، (۱۹۹۱)، *خوش بینی آموخته شده: چگونه ذهن و زندگی خود را تغییر دهیم*، چاپ اول، نیویورک: انتشارات فری پرس.
- شافعی، عبدالصمد بن علی، (۱۳۸۹)، *الامامه و الحوا*، چاپ اول، تهران: زوار.
- صمدی، قنبرعلی، (۱۳۸۵)، *دکترین مهدویت چستی خاستگاه ضرورت‌ها و راهکارها*، مجله *انتظار موعود*، ۱۶.
- طالقانی، سید محمود، (۱۳۷۵)، *تفسیر تسنیم*، چاپ اول، تهران: انتشارات صدرا.
- طریحی، فخرالدین بن محمد، (۱۴۰۸ ق)، *مجمع البحرین*، چاپ دوم، قم: چاپخانه اسماعیلیان.
- طوسی، محمد بن حسن، (۱۴۲۵ ق)، *الغیبه*، چاپ ۳، جلد ۱، قم: انتشارات المعارف الاسلامیه.
- عمید زنجانی؛ عباسعلی، توکلی، محمد مهدی (۱۳۹۱)، *مبانی دینی اصول سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، فصل نامه حقوق*، شماره ۲۶.
- قرشی، سید هاشم، (۱۳۹۷)، *زندگی امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف*، چاپ اول، قم: مؤسسه فرهنگی دارالحسن.
- قمی، عباس، (۱۳۹۱)، *مفاتیح الجنان*، چاپ هفتم، مشهد: به نشر.
- گرجی، محمد، (۱۳۸۶)، *مدیریت و رهبری*، تهران: انتشارات دانشیار.
- مجلسی، محمدباقر، (۱۴۰۳ق)، *بحار الانوار*، چاپ اول، جلد ۵۱، بیروت: مؤسسه الوفا.
- مطهری، مرتضی، (۱۳۶۷)، *قیام و انقلاب مهدی*، تهران: صدر.
- ملایی، محمد، (۱۳۹۵)، *مهدویت و عدالت*، تهران: بی نا.
- موسوی خمینی، سید روح‌الله، (۱۳۶۰)، *صحیفه*، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
- میرهادی، سیده‌ام البنین، (۱۳۹۴)، *نقش مقاومت در اقبال عمومی به ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف*،

- مجموعه مقالات همایش ملی مقاومت اسلامی از نگاه قرآن کریم.
- _ نجم، نجمه، (۱۳۹۶)، آثار تربیتی اعتقاد به مهدویت، قم: حوزه علمیه قم، مرکز تخصصی مهدویت.
- _ هاشمیان، محمد، (۱۳۹۵)، رهبری و مقاومت اسلامی، تهران: نشر معارف.